

بیست و یکمین کنفرانس سالانه بنیاد پژوهش‌های زنان ایران/ تحولات سیاسی و مبارزات دموکراتیک جنبش زنان ایران

سه‌شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۹ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۰
پاریس

مقولاتی نظیر برابری زن و مرد، آزادی‌های فردی و جمعی، دموکراسی، حقوق شهروندی، رابطه‌ی دین و دولت و... سال‌هاست که در میان روشنفکران و کنشگران سیاسی ایرانی، از جمله زنان، در جریان بوده است.

خیزش عمومی پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۸، که "مسئله‌ی زن" یکی از سرچشمه‌های پیدایش آن است، کنشگران زن را - این بار در وضعیتی بحرانی- رویاروی این مسائل قرار می‌دهد. بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، کنفرانس امسال را به مسائل و مقولاتی اختصاص داد که برای جنبش زنان ایرانی علیه تبعیض جنسی - و لاجرم برای سرنوشت ایران - اهمیتی انکارناشدنی دارد. این کنفرانس بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم تیرماه سال جاری در پاریس برگزار شد.

بررسی تحول موقعیت زنان در سال‌های اخیر به مثابه‌ی یکی از عوامل زمینه‌ساز خیزش مردم پس از انتخابات ریاست جمهوری در عرصه‌ی آموزش، حرفه، قانون، فرهنگ، هنر، مطبوعات، سیاست، فعالیت‌های متشکل (سازمان‌های غیردولتی و نیمه دولتی، کمپین‌ها) و... بازتاب این تحول در میان فمینیست‌ها و کنشگران زن، در پرتو بررسی جهت‌گیری‌های نظری و عملی آن‌ها، گرایش رشدیابنده‌ی فمینیسم در میان مردان (به ویژه جوانان)، شرکت کنشگران زن در خیزش اجتماعی اخیر، برخورد گرایش‌های گوناگون جنبش زنان به خیزش مردمی، چالش‌هایی که این خیزش در برابر کنشگران زن قرار می‌دهد، راه‌کارهای موجود در وضعیت فعلی، تأثیر تشدید سرکوب در فعالیت‌های زنان، چشم‌انداز آینده/ پیشبرد ایده‌ها و پروژه‌های زنان در وضعیت سیاسی - امنیتی پس از انتخابات، تأثیرات متقابل فعالیت‌های فمینیستی در داخل و خارج

کشور با توجه به تحولات اخیر، رابطه‌ی جنبش زنان با جنبش‌های دموکراتیک، صنفی و سیاسی، جنبش دانشجویان، کارمندان، معلمان، کارگران، جنبش‌های ملی و قومی... و در نگاهی کلی‌تر، چگونگی رویکرد جنبش زنان به مقولاتی مانند آزادی‌های فردی و جمعی، دموکراسی، جدایی دین از دولت (و مسئله‌ی تبعیض نسبت به پیروان دیگر ادیان)، عدالت اجتماعی، حق حاکمیت ملی، مسئله‌ی ملی و قومی... و رابطه‌ی جنبش زنان ایران با جنبش زنان کشورهای همجوار: زنان افغانی، عراقی، ترکی... از جمله مباحث مطرح شده در این کنفرانس بوده است.

مصاحبه شهزاد نیوز با مهناز متین

مهناز متین پزشکیست که در ابتدای دهه‌ی 60 با سرکوب فراگیر اوپوزیسیون توسط جمهوری اسلامی، مجبور به ترک ایران شد و در فرانسه اقامت گزید. در دوران تبعید به مسئله‌ی زنان و خشونت جنسی حساس شد و سال 1984 به کمیته‌ی دموکراتیک زنان ایران در پاریس پیوست؛ این کمیته بعدها به انجمن بیداری تغییر نام داد. انجمن بیداری، ضمن همکاری با فمینیست‌های فرانسوی و کوشش جهت آگاه کردن افکار عمومی نسبت به وضعیت زنان در ایران، به کار فکری در زمینه‌ی شناخت ریشه‌های خشونت جنسی می‌پرداخت. مهناز متین، همچنین از اعضای انجمن زنان پناهنده بود که تا اواسط سال‌های 1990 در پاریس فعالیت می‌کرد و زنان پناهنده‌ی سیاسی از چندین کشور را گردهم آورده بود. مهناز متین از بنیان‌گذاران و اعضای تحریریه‌ی مجله و نشر نقطه است که سال 1995 کار خود را آغاز کرد. سال 1999 کتاب بازبینی تجربه‌ی اتحاد ملی زنان را منتشر کرد. کتابی مشتمل بر مقالات برخی از بنیان‌گذاران و دست‌اندرکاران اتحاد ملی زنان و یکی از نخستین سازمان‌های فمینیستی پس از انقلاب بهمن 1357. او یکی از ویراستاران کتاب گریز ناگزیر است که سال 2008 توسط نشر نقطه به چاپ رسید. این کتاب بازگوکننده‌ی سی‌روایت فرار از جمهوری اسلامیست.

– بنیاد از زمان تأسیس تا امروز از چه مسیرهایی عبور کرده است؟

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران، سازمانیست غیرانتفاعی که اولین بار سال 1990 با همکاری بخش خاورمیانه‌ی دانشگاه هاروارد، کنفرانسی را در بوستون آمریکا برگزار کرد. از آن‌پس هر ساله کنفرانس‌هایی را با موضوع‌های بسیار متنوع در شهرهایی از آمریکا، کانادا یا اروپا برگزار کرده است. عنوان کنفرانس بنیاد در سال اول: زن ایرانی پس از انقلاب، در سال 2008 (برکلی – کالیفرنیا): نیازهای مبرم زن ایران، و عنوان آخرین یا بیستمین کنفرانس در سال 2009 (هانوفر):

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران در متن تجربه‌ی جنبش زنان ایرانی بعد از بیست سال، نام داشته است. در واقع آخرین کنفرانس اختصاص داشت به بررسی فعالیت بیست ساله‌ی این نهاد.

بنیاد محلی بوده تا زنان پژوهشگر، فمینیست، اکتویست و هنرمند ایرانی بتوانند کارهایشان را ارائه کنند. گاهی مردها هم بوده‌اند؛ اما طبعن عمده‌ی برنامه‌ها به زنان اختصاص داشته است. بسیاری از مسائل و مشکلات زنان و جنبش زنان در این کنفرانسها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در بنیاد هم مفاهیم بکر و تازه مطرح شده اند و هم مفاهیم قدیمی و گاه کهنه مورد نقد قرار گرفته‌اند.

بنیاد محلیست برای برقراری ارتباط میان زنان فعال ایرانی خارج از ایران - آنها که اغلب مجبور به ترک ایران شده‌اند - و زنانی که داخل ایران زندگی می‌کنند. شماری از زنانی که امروز از نامی برخوردار هستند - وقتی که هنوز شاید از چنین نامی برخوردار نبودند - در کنفرانسهای بنیاد مقالات و تولیدات فکری و هنری‌شان را ارائه می‌کردند؛ مانند خانم شیرین عبادی که حدود ده سال پیش از گرفتن جایزه صلح نوبل، در کنفرانس سیاتل سخنرانی کرد، یا زنده‌یاد پروانه فروهر و بسیاری دیگر که ذکر نام همه‌ی آنها در این جا مقدور نیست.

- آیا بنیاد توانسته در گذر این سالها به برخی از اهداف خود نزدیک شود؟

- بنیاد توانسته میان فمینیستهای ایرانی و فمینیستهای کشورِ میزبان کنفرانس رابطه‌ای برقرار کند؛ از جمله سال 1997 در پاریس محقق فرانسوی ژنویو فرس (Geneviève Fraisse)، و سال 2000 در برکلی آنجلا دیویس، زن مبارز آمریکایی، از میهمانان بنیاد بودند و موجب غنای کنفرانسها شدند.

زنان کشورهای چون خاورمیانه، مغرب، و... که با زنان ایرانی به نوعی هم‌سرنوشت‌اند، نیز توانسته‌اند تجربیاتشان را در کنفرانسهای بنیاد با ما در میان بگذارند.

بنیاد به بسیاری از زنان، از زندانیان سیاسی گرفته تا آنها که در زندگی روزمره مورد خشونت قرار گرفته‌اند، اجازه داده تا تجربیات و شهادت‌هایشان را بیان کنند.

بنیاد به بسیاری از هنرمندان جوان اجازه‌ی معرفی کارهایشان را

داده و آرائی مقاله‌ها و نوشته‌های بسیاری از محققان جوان را ضمن کنفرانس‌های سالانه‌ی خود میسر کرده است.

بنیاد کوشیده تا رابطه‌ای میان نسل‌ها برقرار کند. دعوت از دختران جوان «نسل دوم» با همین هدف انجام گرفت تا این‌که رفته‌رفته شکل‌های متنوع‌تری پیدا کرد. به این ترتیب، اگر در کنفرانس‌های نخست از جوانان خبری نبود، در سال‌های اخیر بیش از پیش جوانان را در کنفرانس‌های بنیاد می‌بینیم؛ چه جوانانی که در ایران زندگی می‌کنند و چه جوانانی که در خارج از ایران بزرگ شده‌اند و امروز به سرنوشت کشورشان توجه دارند.

– بیست و یکمین کنفرانس سالانه‌ی این بنیاد، امسال در پاریس برگزار خواهد شد. فکر می‌کنید این کنفرانس‌ها چه قدر به جنبش برابرخواهی زنان در ایران کمک می‌کند؟

– آنچه در این سال‌ها مشخصه‌ی کنفرانس‌های بنیاد بوده، کوشش در آرائی رنگین‌کمانی از افکار و عقاید است. بنیاد تا حد امکان نخواست به «یک رنگ» متعلق باشد و همین یکی از نقاط قوت آن به‌شمار می‌آید. دلیل این‌که بنیاد توانسته برخلاف بسیاری از سازمان‌ها و انجمن‌های در تبعید که متأسفانه عمر چندانی نکرده‌اند، به کار خود تا امروز ادامه دهد، بی شک ریشه در همین تنوع و چندرنگی آن دارد. امیدواریم از این پس نیز بتواند به همین شیوه کار خود را تداوم بخشد.

شیوه‌ی کار چنین است که در کنفرانس هر سال، یک یا چند شهر خود را داوطلب برگزاری کنفرانس سال آینده می‌کنند و براساس پروژه‌ای که ارائه می‌دهند، مورد قبول قرار می‌گیرند، به این ترتیب شهر میزبان کنفرانس انتخاب می‌شود. امسال به دلیل پاره‌ای مشکلات، این شیوه‌ی معمول کار محقق نشد، و ما در پاریس، بسیار دیرتر از موعدی که معمولن انتخاب شهر میزبان صورت می‌گیرد، مطلع شدیم، اما گروه تشکیل شد و کار هماهنگی برگزاری بیست و یکمین کنفرانس در حال شکل‌گیری است. با همکاری انجمن اجتماعی – فرهنگی ایرانیان در فرانسه (وال دو مارن)، مشغول انجام کارها هستیم. خوش‌بختانه دوستان انجمن موفق به گرفتن سالن دانشگاه سانسیه در منطقه‌ی پنج پاریس، یکی از مرکزی‌ترین و زیباترین محله‌های پاریس، شدند.

موضوع کنفرانس امسال، همان‌طور که می‌دانید «جنبش زنان ایران: تحولات سیاسی و مبارزات دموکراتیک» است. موضوع کنفرانس‌های بنیاد

همیشه متأثر بوده از مسائل و مشکلاتی که در زمینه‌ی حقوق زنان، به‌طورکلی یا دوره‌ای، مطرح شده است. امسال هم بنیاد نمی‌توانست نسبت به وضعیت ایران و رویدادهای چند ماه اخیر بی‌اعتنا بماند، به‌ویژه با توجه به این که زنان و جنبش زنان در شکل‌گیری و خیزش اخیر مردم ایران نقش بسیار مهمی را بازی کرده‌اند.

موضوع کنفرانس امسال در واقع سه محور اصلی را دربرمی‌گیرد: 1- در چه روندی جنبش زنان توانست چنین نقشی را در تحولات سال‌های اخیر ایران ایفا کند. 2- شرکت زنان در این خیزش چه‌گونه بوده است و جریان‌ها و گرایش‌های زنان چه چشم‌اندازی را برای آن متصور هستند؟ 3- بررسی رابطه‌ی میان جنبش زنان با مقولاتی نظیر آزادی، دموکراسی، جدائی دین از دولت، عدالت اجتماعی، جنبش‌های مدنی، ملی و قومی... در پرتو تحولات اخیر؛ و این‌که اساسن نقش این مقولات در حل مسئله‌ی زنان و رفع تبعیض‌های جنسی چه‌گونه دیده می‌شوند؟ موضوعی بیشک بسیار گسترده! اما حتا اگر بخشی از این مسائل هم مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، بنیاد تا حدود زیادی به هدف خود رسیده است.

نیره توحیدی: جنبش زنان در ایران یکپارچه نیست

جرس: نیره توحیدی پروفیسور و مدیر دپارتمان مطالعات زنان و جنسیت در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا بر ضرورت همراهی و همدلی جنبش زنان با جنبش سبز و جنبش دانشجویی تأکید کرد. وی که در دومین روز از کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان در پاریس سخن می‌گفت حضور فمینیست‌ها را در جنبش‌های دانشجویی و جنبش سبز لازم دانست و تأکید کرد: "وجود چنین پیوندی و همراهی این جنبش‌ها با هم باید به این شکل حفظ شود که هر کار مثبتی تشویق شود و ضعف‌ها به چالش کشیده شود تا بتوان همه در کنار هم و همدل با یکدیگر به آنچه مطلوب همه است برسند".

به گزارش جرس، نیره توحیدی که موضوع بحث خود را به نقد و بررسی "جنبش زنان ایران در بستر جنبش سبز" اختصاص داده بود یکی از دستاوردهای مهم جنبش زنان در خارج از کشور را تداوم کنفرانس‌های سالانه‌ی بنیاد پژوهش‌ها ذکر کرد و گفت: "با توجه به استبداد حاکم بر ایران، جنبش زنان در ایران، یکپارچه نیست زیرا ما در ایران با یک مثلث قدرت، ولایت فقیه و سپاه و دولت احمدی نژاد مواجه هستیم که به هیچ جنبش مدنی اجازه‌ی قدرت یافتن نمی‌دهد و این تنها جنبش زنان نیست که با محدودیت مواجه است".

توحیدی افزود: "در ایران ما با یک جنبش مدرن روبرو هستیم و از

خصوصیات آن میتوان به چند محوری و چند مرکزی بودنش اشاره کرد به طوریکه دارای کانون های مختلف هستند و به شکل شبکه ای کار می کنند".

این جامعه شناس ایرانی درباره بحث چالش برانگیز رهبر داشتن یا نداشتن یک جنبش گفت:

"افتخار ما شده بی رهبری، در حالیکه فمینیست ها نباید بدون رهبر باشند بلکه بایستی رهبری را باز تعریف کنند. حتی چند رهبری نیز ضدیتی با رهبری ندارد. در واقع همه کس همه چیز را نمی دانند و هیچ کاری بدون متخصصین پیش نمی رود".

وی افزود: "به علت جباریتی که از سوی حاکمیت در تاریخ به ثبت رسیده است، ما بدون در نظر گرفتن مفهوم رهبری و به علت تشابه سازی ناخودآگاه با حاکمان دیکتاتور، با آن مخالفت می کنیم. در حالی که برخی معتقدند نبود رهبری، جباریت بی قدرتی است".

توحیدی حضور فمینیست ها را در جنبش های دانشجویی و جنبش سبز لازم دانست و تاکید کرد: "وجود چنین پیوندی و همراهی این جنبش ها با هم باید به این شکل حفظ شود که هر کار مثبتی تشویق شود و ضعف ها به چالش کشیده شود تا بتوان همه در کنار هم و همدل با یکدیگر به آنچه مطلوب همه است برسند".

وی در پاسخ به آنها که نسبت به رهبری موسوی و رهنورد معترضند گفت: "ممکن است عده ای بگویند موسوی و رهنورد قبلا چه کردند؛ اما آیا ما میتوانیم دموکرات پاک و منزله از آسمان بیاوریم".

نیره توحیدی با اشاره به ظلمی که به اقلیت ها می شود، تأکید کرد: "من میخوام یک آذربایجانی، کرد، ترکمن یا عرب در ایران به حقوق قومی خود برسند هر چند که به عنوان یک ناسیونالیسم قومی بسیار بد و سخت است. اما من خطاب به آنها که میگویند آنچه به قومیت ها نسبت داده میشود حقیقت ندارد باید گفت ما، در هر قومیتی مرتجع و غیر مرتجع داریم، این گونه نیست که تنها حاکمیت بر ما ظلم کند، ما ملتها هم به هم ستم می کنیم. تا اقلیت ها حرف میزنند میگوییم تجزیه طلب، در حالیکه باید اجازه داد تا حرف بزنند".

این استاد دانشگاه در پایان سخنان خود خطاب به موسوی و رهنورد یادآوری کرد: "قانون اساسی نیاز به تغییر دارد و ما با این شکل از قانون اساسی هیچ وقت به آزادی نخواهیم رسید.

زنانی که تا قبل از جنبش نقش پر رنگی داشتند چرا ساکتند؟

به گزارش آیدا قجر از پاریس، گلناز امین رئیس بنیاد پژوهش های زنان گفت: "من قصد و صلاحیت آن را ندارم که به تحلیل یکسال گذشته

بنشینم اما جسارت زنان و مردان مان که دوشادوش هم اعتراض کردند، برایم افتخار آمیز است و آنرا نشانه‌ی تغییرات بسیار عمیق در ارتباط با تبعیض‌های جنسیتی می‌دانم."

او با اشاره به شدت تبعیض علیه زنان از اشکهای محمدرضا شجریان برای آزادی زنان نام برد و این که تا چندی پیش او نمیدانسته شجریان دختری هنرمند دارد و تنها از پسر او شنیده بود. وی با اشاره بر سرکوب، بازداشت، شکنجه، آمار شهدا، دادگاه اقلیت‌ها، اعدام، سنگسار و نقش ویژه‌ی مادران عزادار در بستن دست دولت‌خاطر نشان کرد: "آخرین قربانیان تا امروز 5 تن از شهروندان کرد بودند و پس از آن جنبش از پا افتاده و ما از هیجان؛ اما سوال، همه‌ی وجود ما را فراگرفته است. سوالهایی مانند نقاط ضعف این جنبش و این که چرا زنانی که تا قبل از جنبش، نقش پررنگی داشتند چرا ساکتند؟"

وی تاکید کرد: "باور دارم وقتی با عقاید و باورهایمان رنگ خاصی بر می‌گزینیم، باید رنگها و عقاید دیگران را به رسمیت بشناسیم، وارد بحث و گفت و گو شویم تا زودتر به منشور مورد مطالبه مان برسیم."

ناهد حسینی مطالب خود را در زیر مجموعه‌ی "تاثیر فرهنگ در آموزش زنان در جوامع سکولار و مذهبی" عنوان کرد.

طبق نظر وی، "طبق تحقیقاتی که در خصوص زنان و آموزش داشته است؛ اساس آموزش در ایران جنسیتی است، به طوری که این تبعیض از دوران ابتدائی شروع می‌شود و شعر اول کتاب به خانواده‌ای تعلق دارد که پدر از کار خود به خانه بازگشته و شادی و غذا آورده، مادر به خاطر شوهرش لبخند میزند و دختر خوش حال است که خنده و شادی با حضور پدر به خانه آمده است. و این روند به اشکال گوناگون تا مراحل بالاتر و حتی دانشگاهی نیز قابل مشاهده است."

وی با انتقاد از کنترل شدید مردان بر زنان و خانواده پرسید: "چرا اگر زنی ده سال هم از طلاقش گذشته باشد برای مسافرت با فرزندان خود باید برای خروج آنها اجازه‌ی همسر را به همراه داشته باشد و حضور او کافی نیست؟"

فریبا امیرخیزی با ارائه‌ی آمار از خودکشی دانشجویان، حضور مسالمت آمیز در خیابانها را مورد نقد قرار داد و پرسید: "آیا وقتی برادر بسیجی، تفنگ خود را بر پیشانی ندا نشانه رفته، باز هم باید با گل سرخ از او پذیرایی کرد؟"

ژاله وفا که بحث خود را بر پایه‌ی جدایی دین و مرام از دولت و نقش قانون اساسی لائیک در حفظ حقوق همه‌ی زنان گذاشته بود، گفت:

“قرائت هایی از دین وجود دارد که همه را در حقوق برابر می داند و استقلال دین از دولت را ضرورت می شمارد”. وی تاکید کرد: “حقوق بشر دادنی یا ستاندنی نیست و حقوق بشر و اقوام باید یک به یک ذکر شود”.

آذر ماجدی، نیز با تأکید بر تاثیرات عمیق جنبش زنان بر ایران و منطقه گفت: “نطفه ی جنبش توده ای زنان در انقلاب 57 شکل گرفت اما امروز جنبش حقوق زن این پتانسیل را دارد تا در تاریخ هم طراز جنبش های مطرح جهان عنوان شود و بعد از پیروزی اش ما شاهد تاثیرات عمیق آن بر جامعه و منطقه خواهیم بود”.

او با اشاره به خاطرات دهه ی شصت خود و در مقایسه ی آن روزها با امروز ایران گفت: “از شب سی ام خرداد 1360، به مدت چند شب، روزنامه ی اطلاعات هر شب لیست اعدامهای 300 نفره منتشر میکرد اما کسی جرات نداشت جلوی اوین برود و اعتراض کند، اطلاع رسانی هم وجود نداشت اما امروز اگر در کهریزک تجاوز میشود همه دنیا متوجه می شوند، زیرا امروز مردم در ایران سد ترس را شکسته اند”.

وی اظهار داشت: “نسل جوان ایرانی خواستار مذهب نیستند و جمهوری اسلامی و آزادی حجاب نیز با یکدیگر قابل جمع نیست”.

پرستو اله یاری (فعال سیاسی در دوران ریاست جمهوری خاتمی، عضو انجمن حقوق کودک و خانه ی کودکان کار، عضو کمپین یک میلیون امضا و وبلاگ نویس) با بررسی رسانه ها بعد از انتخابات و ارائه ی آماری دقیق از آنچه در ایران و در سایت های فمینیستی منتشر شده بود، در این کنفرانس به تاثیرات جنبش زنان و جنبش سبز بر یکدیگر پرداخت.

از نظر وی جنبش در اثر شکاف بین دولت و مردم پیش می آید و هرچه این شکاف بیشتر شود ممکن است تعداد جنبش ها هم بیشتر شود.

در این کنفرانس جایزه ی مرحوم حامد شهیدیان (نویسنده، پژوهشگر و جامعه شناس فمینیسم) به خانم منیژه بدیعی اهدا شد.

منیژه بدیعی که در آمریکا متولد شده است، گفت: “من خودم پیدا کردم و به آن احترام گذاشتم. به عنوان یک ایرانی میخواستم از ایران زمین بدانم و برای همین تحقیق خود را در مورد زنان ایرانی شروع کردم”.

شهلا شفیق، جامعه شناس و مدیر انجمن “توسعه ی روابط بین فرهنگی برای گسترش شهروندی” بحث خود را زیر عنوان “آزادی و برابری جنسیتی در ایران و چالش هویتی؛ نقش و جایگاه مذهب” مطرح کرد.

وی گفت: “اسلام قابل تقلیل به یک ایدئولوژی سیاسی نیست و مانند هر دین دیگری قابل بحث و رفورم است اما اسلام گرایی در حقیقت یک ایدئولوژی است؛ پس مدرن است که علیه مدرنیت قد برافراشته و همین پارادوکس باعث شده جمهوری اسلامی تا به امروز باقی بماند”.

وی خطاب به فعالان خارج از کشور گفت: "اشکال عمده‌ی ما اینست که ما به حرکتی که جنبش امروز ایران جلوی ما باز کرده توجه نمی‌کنیم و فقط گفتیم چرا حرف ما را نزنه، در واقع به کاستی‌های آن از دید خودمان نگاه کردیم."

وی افزود: "در ایران، انتخاباتی وجود ندارد که آن را به نقد بگیریم. مردم ابتدا فکر کردند میتوانند بوسیله‌ی انتخابات به این حکومت "نه" بگویند، قرار بود این نه پای صندوق‌های رای باشد، نشد و به خیابان‌ها آمدند، مردم را در خیابان سرکوب کردند، امروز اعتراضات مردمی به شکل موجهای مختلف سرازیر شده است. اما امروز مهم اینست که اندیشه‌ی حاکم شود که شفافیت زبان و گفتار حامیان سبز را رعایت کند".